



## درس دوازدهم

سوره انعام: آیات (۲۱ – ۲۵)



## درس دوازدهم

### سوره انعام: آیات (۲۱ - ۲۵)

#### ! نکات مهم آیات:

۱. کسانی که به «انکار توحید» و «انکار نبوت» می‌پردازند، ستمکارترین انسان‌ها هستند؛

۲. ظلم ظالم، گاه متوجه «خدا»، گاه متوجه «خود ظالم» و گاه «اجتماع» است؛

۳. در قیامت از مشرکان برای اثبات ادعای شرک‌شان، برهان نمی‌خواهند، زیرا همه چیز شهودی و آشکار است؛

۴. مشرکان در قیامت از روی «عادت» یا «وحشت» به دروغ می‌گویند: «ما مشرک نبودیم!»؛

۵. دروغ‌گویی مشرکان در قیامت، فقط به خودشان برمی‌گردد و اگر نه همگان با حقایق آشنا شده‌اند؛

۶. کسانی که در برابر «آیات الهی»، عناد و لجاج ورزند، خدا توفیق فهم حق را از آنان می‌گیرد؛



۷. انسان در انتخاب «سعادت یا شقاوت»، مختار است؛

۸. سیر نزولی انسان عبارت است از: ۱. فراموش کردن فطرت؛ ۲. اصرار بر

شرک (گناه)؛ ۳. سقوط به ورطه هلاکت؛ ۴. عذاب الهی.

### لغات درس دوازدهم

مَنَ:	کیست؟	تَزْعُمُونَ:	می پنداشتید
اَفْتَرَى:	افترا زد؛ دروغ بافت	يَسْتَمِعُ:	می شنوند
يُفْلِحُ:	رستگار می شود	فَتَنَتَهُمُ:	فریفته شدن آنان
أَيْنَ:	کجاست؟	كُنَّا:	بودیم
كُنْتُمْ:	بودید شما	انْظُرُ:	بین، نگاه کن
تَكُنْ:	باش	ضَلَّ:	گم شد
أَكِنَّةً:	پرده ها	يَقْتَرُونَ:	دروغ می بافند
وَقَرًا:	سنگینی	مَنْ:	کسی
يَرَوُا:	بینند	يَقْقَهُوهُ:	آن را بفهمند
جَاءُوكَ:	بیایند نزد تو	آيَةً:	علامت
جَعَلْنَا:	قرار دادیم	يُجَادِلُونَكَ:	با تو مجادله می - کنند
أَذَانِهِمُ:	گوش های آن ها	يُؤْمِنُوا:	ایمان می آورند
أَسَاطِيرُ:	دروغ ها و نیرنگ ها؛ افسانه ها	الْأَوَّلِينَ:	گذشتگان، پیشینیان

❖ آیه ۲۱: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

**ترجمه:** و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؛ بی تردید ستمکاران رستگار نمی شوند.

### تفسیر:

ظلم، یکی از شنیع‌ترین گناهان است، بلکه با کمی دقت و تحلیل عقلی باید گفت زشتی گناهان دیگر نیز به میزان ظلمی است که در آنها است و معنای ظلم عبارت از خروج از عدالت و حد وسط است.<sup>۱</sup> به طور کلی جمله اول: (افترى على الله كذباً) اشاره

به «انکار توحید» و جمله دوم: (كَذَّبَ بِآيَاتِهِ) اشاره به «انکار نبوت» است. پس از بیان این دو جمله، این گروه از منکران را کسانی معرفی می‌کند که شدیدترین ظلم را به خود روا داشته‌اند.<sup>۲</sup>

**وَمَنْ أَظْلَمُ :** براستی چه ظلمی از این بالاتر که برخی انسان‌ها، سنگ و چوب یا انسان‌های هم‌نوع خود که ضعیف و ناتوان هستند را معبود و رب خود قرار دهند و از تنها خالق و مدبر عالم هستی، روی برگردانند؟! چنین عمل و عقیده‌ای، تضييع حق خدا است. اینان از سه جهت «ظالم یا اظلم» محسوب می‌شوند: ۱. ظلم به خدا به سبب شرک به او؛ ۲. ظلم به خود که ارزش خود را بشدت پایین آورده‌اند؛ ۳.



ظلم بر اجتماع (دیگران)، زیرا باعث شرک آنان و  
تفرقه شده‌اند.<sup>۳</sup>

لازم به ذکر است، «افترا به خدا» به معنای اثبات  
منفی و انکار مثبت است؛ چون مُفتری، شرک را که  
خدا از خود نفی کرده است به او اسناد می‌دهد و  
توحید را که به آن گواهی داده است، از وی نفی  
می‌کند.<sup>۴</sup>

در یک معنای لطیف می‌توان «افترا به خدا» را به اهل  
کتاب برگرداند، زیرا آن‌ها با کتمان اوصاف پیامبر  
ص که در کتاب‌های تورات و انجیل آمده بود، در  
حقیقت مدعی می‌شدند که چنین شخصی با این

۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۴.

۴. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۸۹.



اوصاف، وجود خارجی ندارد و کتاب‌های ما، واقعیت را نگفته‌اند.<sup>۵</sup> بدیهی است چنین ادعایی، تهمت به خدایی است که فرستنده تورات و انجیل است.

\*\*\*\*\*

❖ آیه ۲۲: وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا اَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

**ترجمه:** و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کنیم؛ آنگاه به کسانی که شرک آورده- اند، می‌گوییم: کجایند شریکان شما که [آنها را شریک خدا] می‌پنداشتید؟!



## تفسیر:

این جمله در مقام بیان جمله قبل یعنی، (إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ) است. گویا وقتی گفته شد ستمکاران رستگار نمی‌شوند، سؤال می‌شد، که چرا چنین است؟ در پاسخ گفته شد برای این که خدا به زودی آنان را محشور کرده و از شریکانی که برای خدا قائل شدند، سراغ می‌گیرد، و چون شریکانی برای خدا نمی‌یابند، لذا شرک خود را انکار می‌کنند.<sup>۶</sup>

در این پرسش و پاسخ‌ها روشن می‌شود که «پندار شریک برای خدا»، سرابی بیش نبوده است. در آخرت از مشرکان برای شرک‌شان برهان نمی‌خواهند؛ چون اگر شرک و شریکی بود، دیده می‌

شد؛ چرا که آنجا نشئه شهود است و اگر شریکی باشد، دیده می شود.<sup>۷</sup>

بدیهی است چنین درخواستی از مشرکان (که شرکای خدا را حاضر کنند)، به منظور توبیخ آنان است.<sup>۸</sup>

\*\*\*\*\*

❖ آیه ۲۳: ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتَسْتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

**ترجمه:** آنگاه عذرشان جز این نیست که می-  
گویند: به خدای پروردگار ما سوگند که ما مشرک نبودیم.

۷. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۰۶.  
۸. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱.

## تفسیر:

در آیه قبل از مشرکان در قیامت سوال شد که: کجا هستند شریکان خدا که قرار بود اینک شما را شفاعت کنند و یاری‌تان رسانند؟ این آیه به چاره-جویی مشرکان اختصاص دارد، در حالی که در بهت و حیرت و وحشت عجیبی فرو رفته‌اند. سرانجام از فرط درماندگی در مقام جواب برآمده، دست به حيله برده و به دروغ، سوگند یاد می‌کند که: خدایا! ما مشرک نبودیم.<sup>۹</sup> مراد از «فتنه» در آیه شریفه می‌تواند «جواب<sup>۱۰</sup>» یا «عذر و بهانه<sup>۱۱</sup>» باشد.

## پرسش و پاسخ

۹. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۰۶.

۱۰. المیزان، ج ۸، ص ۶۷.

۱۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۳.

**پرسش:** چگونه ممکن است مشرکان در قیامت دروغ بگویند و مدعی شوند که «ما مشرک نبودیم»<sup>۱۲</sup>، در حالی که طبق آیه «وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا - [گناه کاران] نمی توانند از خدا چیزی را پنهان کنند»<sup>۱۳</sup>.

### پاسخ:

۱. روز قیامت دارای مراحل و مواقف متعددی است که به تدریج پرده ها کنار می رود و حقایق آشکار می شود. گناه کاران در مرحله ای دست به «دروغ» و «قسم دروغ» می زنند، ولی در مرحله بعد که اعضای شان برضد آنها شهادت می دهند و مجالی

۱۲. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۰۶.

۱۳. سوره نساء، آیه ۴۲.

برای دروغ‌گویی نمی‌یابند، حقیقت را می‌گویند. در این مورد روایتی از امیرالمؤمنین ع وارد شده است.<sup>۱۴</sup> (فراموش نشود که گفتن حقیقت غیر از پذیرفتن آن است).

۲. گناه‌کاران نه از روی عمد و جدّ بلکه از روی عادت دروغ می‌گویند. دروغ گفتن در مسائل محوری همچون اعتقادات، در آن‌ها ملکه شده به طوری که اگر دروغ نگویند، جای تعجب است.

۳. گناه‌کاران با دیدن عظمت روز قیامت، از روی وحشت و حیرت دست به انکار شرک می‌زنند.<sup>۱۵</sup>

۱۴. توحید صدوق، ص ۲۶۱.

۱۵. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۱۶ - ۶۲۰.

۴. بعید نیست گویندگان این دروغ کسانی باشند که واقعا در دنیا فکر می کردند «مشرک نیستند».<sup>۱۶</sup>

**پرسش:** چرا مشرکان در قیامت کلمه «ربنا» می-گویند، در حالی که منکر «ربوبیت خدا» بودند؟

**پاسخ:** قبلاً اشاره کردیم که آنها «ربوبیت خاص خدا» را قبول نداشتند، ولی «ربوبیت مطلق» را پذیرفته بودند. توضیح اینکه آنها خدا را پروردگار تمام عالم هستی می دانستند، ولی در امور جزئی تر مانند امور انسانها، رزق و روزی، گیاهان، باران و... از قبول ربوبیت خدا سرباز می زدند و بتها را مدبر و مربی می دانستند.<sup>۱۷</sup>

\*\*\*\*\*

۱۶. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۸.

۱۷. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۱۴.

❖ آیه ۲۴: اَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ  
مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

**ترجمه:** بین چگونه به خود دروغ می گویند و  
آنچه برمی بافتند از ایشان گم شد.

### تفسیر:

خدای سبحان با ترسیم صحنه دروغ گویی مشرکان،  
به رسول اکرم ص که شاهد محکمه الهی است،  
می فرماید: بنگر آن ها چگونه به خودشان نیز دروغ

می گویند. ترفند دروغ در قیامت، فقط به خودشان  
 برمی گردد، چون دیگران با حقایق آشنا شده اند.<sup>۱۸</sup>

مقصود از کلمه «انْظُرْ» که خطاب به رسول اکرم ص  
 است، مشاهده نیست؛ زیرا هنوز صحنه قیامت پیش  
 نیامده است، بلکه مراد این است که «ای رسول ما!  
 دقت کن در این گفتار»<sup>۱۹</sup> بدیهی است منظور از  
 دقت رسول ص انتقال مطلب به مردم است.

**وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ:** افترای مشرکان، در  
 باره ربوبیت و الوهیت بتهافت و در قیامت چنین  
 سمت دروغ و بافته شده، گم می شود، گرچه پیکره  
 بتهافت باقی باشد.<sup>۲۰</sup>

۱۸. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۰۶.  
 ۱۹. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۴.  
 ۲۰. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۰۶.



\*\*\*\*\*

❖ آیه ۲۵: وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

**ترجمه:** و برخی از آنان به تو گوش فرا می دهند و [لی] ما بر دل های شان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند و در گوش های شان سنگینی [قرار داده ایم] و اگر هر معجزه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: این [کتاب] چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.

**تفسیر:**

مشرکان که به واسطه لجاجت و اصرار بر شرک و کفر و تکذیب آیات الهی، توفیق فهم حقیقت از آنان گرفته شده بود، هر آیه چشمگیر و معجزه روشنی می‌دیدند، ایمان نمی‌آوردند. شاید گفته شود: پس چرا نزد پیامبر ص می‌آمدند و پرسش‌هایی مطرح می‌کردند؟ آری آن‌ها برای مجادله و پافشاری بر آرای خود، چنین اقدامی می‌کردند و اصولاً آیات الهی را «اسطوره و افسانه» می‌دانستند.<sup>۲۱</sup> چنان که اشاره شد، اینان به قدری سنگدل بودند که به «عدم قبول آیات الهی» اکتفا نمی‌کردند، بلکه

عزم خود را جزم می کردند تا نزد پیامبر ص بیایند و به «بگو مگو و مجادله» پردازند.<sup>۲۲</sup>

**وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ... :** برخی از مفسران، این فراز از آیه را دلیل بر «مسلک جبریون و مجبور بودن انسان» دانسته و معتقدند، این خداست که گروهی را هدایت و گروهی را گمراه می کند و انسان خود اختیاری ندارد.

چنین ادعایی باطل است؛ زیرا خداوند قبل از هر چیز به انسان از دو راه لطف کرده است: ۱. الهام فجور؛ ۲. تقوای نفس. کسانی که با وجود این دو لطف الهی، همچنان بر کج روی اصرار می ورزند، خداوند نیز همان مسیر را برای آنها باز می کند. چنان که

فرمود: (و ما يُضِلُّ به الا الفاسقین؛ به واسطه قرآن کسی گمراه نمی‌شود، مگر فاسقان). بنابراین، انسان ابتدا خود را از هدایت محروم می‌کند و به فاسقان می‌پیوندد و آنگاه خداوند همان حالت گمراهی و فسق را برای او تثبیت می‌کند. نتیجه اینکه، کلمه «جَعَلْنَا» یعنی ما به واسطه لجاجت و گناهان‌شان، توفیق فهم را از آن‌ها گرفته‌ایم و آن‌ها را به خود وا گذاشته‌ایم.<sup>۲۳</sup> به تعبیر لطیف‌تر، کیفر کفر آن‌ها این است که خداوند راه فهم آن‌ها را ببندد.<sup>۲۴</sup>

در پایان اشاره‌ای داریم به مراحل سیر نزولی انسان:

۱. فراموشی فطرت؛ ۲. اصرار بر شرک و نادیده

۲۳. تسنیم، ج ۲۵، ص ۳۱.  
 ۲۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۸.

گرفتن امهال الهی؛ ۳. سقوط به ورطه هلاکت پس  
از اتمام حجت؛ ۴. عذاب الهی.<sup>۲۵</sup>